دوفصل‌نامهٔ علمی ـ تخصصی پرتو خرد
سال یازدهم، شماره ۱۹،
بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص۳۷-۵۵

تحقق «ایمان و عمل صالح» در پرتو «عقلانیت»

(نگاهی به تفسیر فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی بر سوره عصر)

محمدسالم محسنی*

چکیده

قرآن کریم در سوره عصر ابتدا همه انسان‌ها را در خسران دانسته و سپس کسانی را که از صفات چهارگانه‌ای «ایمان»، «عمل صالح»، «توصیه به حق» و «توصیه به صبر» برخوردارند، استثنا کرده است. خواجه نصیرالدین طوسی این سوره را با رویکرد فلسفی تفسیر کرده و صفات چهارگانه‌ای یاد شده را با عقلانیت مرتبط ساخته است. نگارنده با هدف شرح و تبیین دیدگاه طوسی و نقد و ارزیابی آن به بررسی مسأله پرداخته و به این نتیجه دست‌یافته که وی بر اساس مبانی فلسفه اسلامی، «خسران» را به معنای اشتغال در امور مادی و فرو رفتن در خواهش‌های نفسانی و نجات از خسران را در استکمال نیروهای عقلانی می‌داند. بر این اساس، طوسی «ایمان» را به استکمال عقل نظری، «عمل صالح» را به استکمال عقل عملی، «توصیه به حق» را به تکمیل عقل نظری دیگران و «توصیه به صبر» را به تکمیل عقل عملی دیگران تفسیر کرده است. وی در تفسیر این سوره اگرچه با ادبیات فلسفی سخن گفته که با تعبیرات دیگر مفسران به ظاهر متفاوت می‌نماید؛ اما از نظر محتوا با آن‌ها سازگار بوده و بر مبنای روایاتی که درباره نقش عقل در رستگاری انسان وارد شده، نیز تأییدپذیر است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: سوره عصر، ایمان، عمل صالح، عقل نظری، عقل عملی.

* دکترای فلسفه اسلامی و مدرس جامعة المصطفی العالمیة Ms.muhseni@yahoo.com

۱. مقدمه

قرآن کریم کتاب الهی است که به زبان عربی فصیح نازل شده است؛ اما چون دارای لایه‌های معنایی و ذوبطون است، فهم و استنباط معنای آن دشوار بوده و نیاز به دانش تفسیر دارد. از این‌رو، علما و اندیشمندان همواره تلاش کردند تا با استفاده از شیوه‌های مختلف تفسیری به فهم و درک معنای قرآن بپردازند و لایه‌های معنایی آن را استخراج کنند. اما بررسی کتاب‌های تفسیری نشان می‌دهد که مفسران با رویکردهای مختلف به تفسیر قرآن پرداختند. برخی رویکرد روایی دارند مانند *تفسیر قمی* و *تفسیر فرات کوفی*. برخی رویکرد ادبی دارند مانند *تفسیر جوامع الجامع* طبرسی، *تفسیر مجاز القرآن* ابوعبیده معمر بن مثنی و *تفسیر ایجاز البیان* ابوالحسن نیشابوری. برخی هم با رویکرد کلامی نوشته شده مانند *التبیان* شیخ طوسی و *مفاتیح الغیب* فخر رازی. بعضی با رویکر فقهی صورت گرفته مانند *فقه القرآن* راوندی، *زبدهٔ البیان* مقدس اردبیلی و *کنزل العرفان* فاضل مقداد و برخی رویکرد فلسفی و عرفانی دارند مانند *تفسیر ابن عربی* و *تفسیر ملاصدرا*.

تنوع رویکردها نسبت به تفسیر قرآن، اولا به دلیل تفاوت مبانی فکری و اعتقادی هر مفسر است که فهم و برداشت وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چنانکه در سده‌های نخستین اسلامی اهل حدیث با نگاه تعبدآمیز به ظواهر قرآن تکیه کرده و از تفسیرهای مخالف ظاهر متن پرهیز می‌کردند و در مقابل معتزله با نگاه عقل‌گرایانه به فهم قرآن روی آورده و حتی آیات قرآن را بر خلاف معنای ظاهر آن تأویل می‌کردند. ثانیا به دلیل تنوع اهدافی است که مفسران دنبال می‌کنند، چون ممکن است برخی در پی استنباط نکاتی ادبی قرآن باشند، برخی دیگر مطالب فقهی یا کلامی آن را دنبال کنند و یا بعضی دیگر نکات عرفانی و فلسفی قرآن را درنظر داشته باشند و عده‌ای هم بخواهند مطالب علمی قرآن را استنباط کنند.

یکی از متفکران اسلامی خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲هـق) است. وی در علوم مختلف از جمله فلسفه، کلام، اخلاق و ریاضیات تبحر داشته است. طوسی فلسفه را خوب فهم کرده و بر آثار ابن سینا فیلسوف مشائی نیز شرح زده است. وی اگرچه بیشتر به مباحث فلسفی و کلامی پرداخته اما گاهی اشارات قرآنی را نیز از نظر دور نداشته و به تفسیر برخی آیات آن روی آورده است. در پاسخ به سؤالی که از محقق طوسی درباره تفسیر سوره عصر مطرح می‌شود، او بر اساس اصول و مبانی عقلی تفسیری ارائه می‌کند که با نظام فلسفه اسلامی به خوبی سازگار است.

نگارنده می‌کوشد تا دیدگاه محقق طوسی را در تفسیر سوره عصر، شرح و تبیین کرده، سپس مورد نقد و ارزیابی قرار دهد. بنابراین، پرسش تحقیق این است که طوسی سوره عصر را چگونه با اصول و مبانی فلسفی تفسیر کرده و با تکامل عقلانیت ارتباط داده است و آیا تفسیر وی با فهم و برداشت دیگر مفسران سازگار است؟ برای دست‌یابی به پاسخ مسأله، ابتدا به مفهوم‌شناسی عقل نظری و عقل عملی پرداخته، سپس دیدگاه طوسی را در تفسیر سوره عصر و تطبیق فرازهای آن را به مراتب استکمال عقل نظری و عملی مورد بحث و ارزیابی قرار می‌دهیم.

۲. مفهوم‌شناسی عقل نظری و عقل عملی

از آنجا که محقق طوسی با ادبیات فلسفی سخن می‌گوید و ایمان و عمل صالح را به کمال عقل نظری و عملی تفسیر می‌کند، نخست تعریف و تبیین اصطلاحات عقل نظری و عملی لازم به نظر می‌رسد.

در فلسفه اسلامی انسان ترکیب یافته‌ای از بدن مادی و نفس مجرد است. نفس انسان چون در عالم طبیعت و بدن جسمانی قرار گرفته، برای انجام کارهای خود نیازمند به ابزار است که این ابزار به نام قوای نفس یاد می‌شود.

قوای نفس انسان بر اساس مراتب خود، به سه قسم نباتی، حیوانی و انسانی تقسیم می‌شود؛ برخی افعال نفس مربوط به مرحله نباتی است، مثل رشد و تغذیه

و نفس در این مرحله نفس نباتی نامیده می‌شود. برخی دیگر از فعالیت‌های نفس مربوط به مرحله حیوانی است، مانند تحریک و ادراک جزئیات، و نفس در این مرحله نفس حیوانی نام می‌گیرد. نوع سوم از افعال نفس، از سنخ تعقل و تفکر است و نفس در این مرحله، نفس انسانی یا ناطقه نامیده می‌شود.

نفس ناطقه برترین مرتبه نفس آدمی است. این مرتبه از نفس دارای قوه عقلانی بوده و امور کلی توسط آن ادراک می‌شود. تمامی قوای دیگر در خدمت قوه عقلانی است. اما قوه عقلانی با توجه به کارکرد خود به دو قسم نظری و عملی تقسیم می‌شود؛ زیرا کارکرد عقل در دو جهت صورت می‌گیرد. در یک جهت رو به سمت بالا دارد و معارف را از مبادی عالیه و عقل فعال دریافت می‌کند؛ در جهت دیگر رو به پایین است و به تدبیر بدن اشتغال دارد. جهت اول را عقل نظری یا قوه عالمه و جهت دوم را عقل عملی یا قوه عامله می‌گویند (سهروردی، ۱۳۷۵: ۴۲۳/۳؛ صدرالمتألهین، ۱۹۸۱: ۱۳۰/۸؛ طوسی، ۱۳۸۵: ۵۷).

۲-۱.چیستی عقل نظری

عقل نظری یا قوه عالمه، قوه ادراک علوم و معارف انسانی است که صورت‌های کلی مجرد را درک می‌کند، صورت‌هایی که یا ذاتاً مجرد است و یا به سبب تجرید از علایق مادی، مجرد می‌گردد. عقل نظری با توجه به فعلیت ادراک و میزان نزدیکی به عالم عقول و مبادی عالی وجود، از مراتب و درجات مختلف کمال برخوردار است که به چهار مرتبه عقل هیولانی، عقل بالمکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد طبقه‌بندی شده است (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۳۹/۲-۴۰؛ صدرالمتألهین، ۱۹۸۱: ۴۱۹/۳-۴۲۷ و ۱۳۰/۸-۱۳۱).

۲-۲. چیستی عقل عملی

عقلی عملی قوه‌ای است که بدن و سایر قوای حیوانی را به عمل وامی‌دارد و کارکرد عقل عملی مانند کارکرد قوه تحریکی در نفس حیوانی است. همان‌طوری که قوای تحریکی بدن را به سوی افعالی که مقتضای قوه شهوت و غضب است به

حرکت وامی‌دارد، قوه عامله نیز انسان را به سوی افعال خاص انسانی مثل خوبی‌ها و فضیلت‌ها به حرکت درمی‌آورد و از افعال غیر اخلاقی مانند ظلم و دروغ باز می‌دارد. این قوه بر اساس شناختی که از خوبی و بدی دارد به دیگر قوای بدن فرمان می‌دهد و آن‌ها را وادار به عمل می‌کند. از این‌رو، عقل عملی مبدأ اخلاق انسانی به شمار می‌آید (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۳۷/۲؛ سهروردی، ۱۳۷۵: ۴۲۲/۳-۴۲۳؛ صدرالمتألهین، ۱۹۸۱: ۱۳۰/۸).

۳. تفسیر «ایمان و عمل صالح» به استکمال عقل نظری و عملی

در یکی از رساله‌های طوسی درباره تفسیر سوره عصر از وی سؤال می‌شود و او در پاسخ آن با رویکرد عقلی و با اصطلاحات و ادبیات رایج فلسفه به تفسیر آن می‌پردازد. در اینجا نخست متن سخنان طوسی را می‌آوریم و سپس به تبیین و بررسی آن می‌پردازیم:

سئل المحقق الطوسی نصیر الملة و الدین قدّس اللّه روحه عن تفسیر سورة العصر قوله: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ. وَ الْعَصْرِ. إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِي خُسْرٍ»، ای فی الاشتغال بالامور الطبیعیّة و الاستغراق بالمشتهیات النفسانیّة. «إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا»، ای الکاملین فی القوّة النظریّة. «وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ»، ای الکاملین فی القوّة العملیّة. «وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ»، ای الذین یکملون عقول الخلائق بالمعارف النظریّة. «وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ»، ای الذین یکملون أخلاق الخلائق بتلقّی المقدمات الخلقیة (طوسی، ۱۴۰۵: ۵۲۰).

از نصیرالدین محقق طوسی (قدس الله روحه) درباره تفسیر سوره عصر سؤال شد، [وی در پاسخ گفت:] «بنام خداوند بخشنده مهربان، قسم به عصر که انسان‌ها در خسران‌اند» منظور اشتغال در امور طبیعی و فرو رفتن در خواهش‌های نفسانی است. «مگر کسانی که ایمان آورده‌اند»

یعنی کسانی که در قوه عقل نظری کامل شده‌اند. «و کار شایسته انجام دادند» یعنی در قوه عقل عملی به کمال رسیده‌اند. «و توصیه به حق کردند» یعنی کسانی که با تعلیم معارف نظری، عقول دیگران را به کمال رسانده‌اند. «و توصیه به صبر کردند» یعنی کسانی که با تعلیم مقدماتی خلقی، اخلاق مردم را تکمیل کرده‌اند.

قرآن در اینجا نخست همه انسان‌ها را در خسران و زیان می‌بیند و سپس تنها کسانی را نجات‌یافته از خسران می‌داند که از چهار ویژگی ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و توصیه به صبر برخوردار باشند. محقق طوسی در تفسیر فرازهای آیات، اول خسران را به معنای فرو رفتن در خواهش‌های نفسانی و مظاهر عالم طبیعت معنا می‌کند، سپس ویژگی‌های چهارگانه ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و توصیه به صبر را به کمال عقل انسانی تفسیر می‌کند.

ما در اینجا هر یک از فرازهای پنجگانه سوره عصر را بحث کرده و تفسیر محقق طوسی را درباره تطبیق آن‌ها به مراتب عقل نظری و عملی شرح و تبیین می‌کنیم.

۳-۱. خسران انسان

بر اساس آیه دوم سوره عصر که می‌فرماید: «إِنَّ الْانسَانَ لَفِی خُسْرٍ»، همه انسان‌ها در خسران و زیان‌اند. واژه خُسر و خُسران به معنای نقص در اصل مال و سرمایه است، چنانچه کسی در تجارت به جای سود، اصل سرمایه خود را از دست دهد گفته می‌شود وی خسران کرد و در مورد خود انسان نیز به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: واژه خسر)، چنانکه قرآن در آیات متعدد از جمله آیه ۱۵ سوره زمر می‌گوید: «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلاَ ذلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» یعنی خاسران کسانی هستند که در روز قیامت در جان و بستگان شان خسران کرده‌اند. آگاه باشید که همان خسران آشکار است.

اما درباره این که چگونه انسان‌ها همه در خسران‌اند، باید گفت حیات و عمر انسان سرمایه اصلی وی به شمار می‌رود، ولی این سرمایه هر روز کاهش می‌یابد و

هر لحظه از عمر وی کم می‌شود و حیات او رو به پایان می‌برد. از آنجا که انسان ناگزیر سرمایه عمر و حیات خود را از دست می‌دهد، قرآن او را اهل خسران و زیان دانسته است؛ مگر این که انسان بتواند این سرمایه را با خدا معامله کرده و طاعت و بندگی او را به دست آورد و اعمال شایسته انجام دهد که اگر چنین شیوه‌ای را برگزیند، می‌تواند در این تجارت سود ببرد. چنانکه آیات بعدی به بیان راه‌های حفظ انسان از خسران می‌پردازد (طوسی [محمد بن حسن]، بی‌تا: ۴۰۵/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۵۳۳/۴).

بنابراین، حیات انسان سرمایه هستی اوست که با آن می‌تواند هم موجبات سعادت ابدی و اخروی را به دست بیاورد و هم می‌تواند سبب شقاوت و بدبختی خود را فراهم سازد. اگر در حیات دنیایی با پیروی از حق و عمل درست موجبات سعادت خویش را فراهم کند، سود کرده و اگر از باطل پیروی نماید، خسران و زیان کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۵۶/۲۰).

فخر رازی این آیه را تنبیهی بر آن می‌داند که انسان در اصل و ذات خود در خسران است؛ زیرا سعادت انسان که در توجه به عالم آخرت و دوری از دنیا است، اسباب و عوامل آن پنهان است، اما اسباب توجه به دنیا آشکار است، مانند حواس پنجگانه و قوه‌های شهوت و غضب. از این‌رو بیشتر مردم به دنیادوستی اشتغال داشته و در طلب آن مستغرق‌اند که نتیجه آن خسران و زیان است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۸۰/۳۲).

اما محقق طوسی که بر اساس آموزه‌های فلسفی خود توجه به عالم ماده و طبیعت را موجب شقاوت و بدبختی و توجه به جهان‌های برتر و عوالم ملکوت و جبروت را سبب سعادت و خوش‌بختی انسان می‌داند، خسران را نیز به معنای غرق شدن در ظلمات عالم ماده و غفلت از توجه به مراتب بالاتر هستی تفسیر می‌کند. از منظر وی مجذوب شدن در مظاهر حیات مادی و خواهش‌های نفسانی و محروم ماندن از حیات عقلانی و معنوی موجب خسران و از دست دادن اصل سرمایه هستی

انسان می‌شود. از این‌رو در تفسیر «إِنَّ الْانسَانَ لَفِی خُسْرٍ» می‌گوید: «ای فی الاشتغال بالامور الطبیعیّة و الاستغراق بالمشتهیات النفسانیّة» (طوسی، ۱۴۰۵: ۵۲۰).

تا اینجا سخن محقق طوسی با کلام دیگر مفسران چندان تفاوت پیدا نمی‌کند بلکه با تعبیرات کلی به علت زیان کار بودن انسان اشاره می‌کند. اما در آیه سوم سوره عصر که راه‌های رهایی از خسران را معرفی می‌کند، تفاوت سخنان وی روشن گشته و اندیشه‌های فلسفی‌اش برجسته می‌شود؛ چنانکه ایمان، عمل صالح، توصیه به صبر و توصیه به حق را به مراتب عقل انسانی تطبیق می‌کند.

۳-۲. چیستی ایمان

اولین شرطی که در سوره عصر برای نجات انسان از خسران و زیان بیان می‌شود، ایمان است، چنانکه می‌گوید: «إِلَّا الَّذِینَ ءَامَنُواْ». اما درباره ماهیت ایمان، دیدگاه‌ها مختلف بوده و تعریف‌های متفاوت ارائه شده است. در نگاه برخی متکلمان حقیقت ایمان در تصدیق قلبی خلاصه می‌شود و از دیدگاه برخی دیگر تصدیق قلبی و اقرار زبانی هر دو در تحقق ایمان دخالت دارد و گروهی حتی عمل جوارحی را نیز جزء حقیقت ایمان برشمرده‌اند (بغدادی، ۲۰۰۳: ۱۹۸-۱۹۹؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ۱۷۵/۵-۱۷۶). اما بیشتر متکلمان امامیه حقیقت ایمان را در تصدیق قلبی و اقرار زبانی تعریف کرده و عمل را خارج از حقیقت ایمان دانسته‌اند. طبق این دیدگاه اگرچه عمل خارج از ایمان است ولی بی‌ارتباط با آن نیست، بلکه کمال ایمان و از ثمرات آن به شمار می‌آید (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۶۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۹). همین‌که در آیه دوم سوره عصر و دیگر آیات قرآن ایمان و عمل صالح در کنار هم مطرح شده،[1] می‌تواند دلیلی بر خارج بودن عمل از

۱. در قرآن کریم حدود پنجاه بار عین تعبیر «آمنوا و عملوا الصالحات» به کار رفته و ایمان و عمل صالح در کنار هم قرار گرفته است که از جمله می‌توان برخی موارد را نام برد: (بقره: ☜

حقیقت ایمان تلقی‌شود (شهید ثانی ۱۴۰۹: ۶۹).

منظور از ایمان در اینجا باور به نظام اعتقادی اسلام و شناخت مبدأ و معاد است که شامل اعتقاد به وجود خدا، توحید، صفات و افعال خداوند، نبوت و رسالت پیامبران، کتب آسمانی و شرایع الهی و زندگی پس از مرگ می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۵۷/۲۰).

اما محقق طوسی ایمان را به تفکر و عقلانیت ارتباط می‌دهد و تحقق آن را در استکمال قوه عقل نظری می‌داند، چنانکه در تفسیر «إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ»، می‌گوید: «ای الکاملین في القوّة النظریّة» (طوسی، ۱۴۰۵: ۵۲۰). یعنی ایمان عبارت از آن است که عقل نظری انسان در شناخت حقایق جهان به مرتبه کمال برسد و حقایق عالم را آن‌طوری که هست درک کند و این شناخت، همه نظام معرفتی اسلام را دربر می‌گیرد.

این دیدگاه برخاسته از تفکر فلسفی طوسی درباره سعادت و رستگاری انسان است. از دیدگاه وی رستگاری و خوشبختی آدمی در استفاده از قوای عقلانی است. اگر انسان نیروی عقل خود را در مسیر فضیلت‌هایی که برای رسیدن به آن آفریده شده به کار ببرد، به سعادت و رستگاری نایل می‌گردد و اگر بر خلاف مسیر یاد شده حرکت کند به شقاوت و بدبختی گرفتار می‌شود (طوسی، ۱۳۸۵: ۶۶).

سعادت انسان در فلسفه اسلامی به صورت کلی بر محور کمال قوای عقلانی معنا می‌شود، اما کمال عقل نظری که طوسی ایمان را به آن تطبیق می‌کند، عبارت است از تجرد از ماده و توجه به عالم ملکوت و جبروت تا از این طریق به شناخت معقولات دست‌یابد و حقایق جهان بر وی مکشوف گردد. بالاترین مرحله کمال عقل نظری در اتصال به عقل فعّال است که در این صورت معارف و حقایق هستی از آنجا بر وی افاضه می‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۳۸/۲-۳۹؛ طوسی، ۱۳۷۵: ۳۵۴/۲-۳۵۵؛

☞

آیات ۲۵ و ۸۲ و ۲۷۷؛ آل عمران: ۵۷؛ نساء: ۵۷؛ انشقاق: ۲۵؛ شعراء: ۲۲۷؛ تین: ٦؛ عصر: ۳).

صدرالمتألهین، ۱۹۸۱: ۱۳۰/۸).

طوسی درباره کمال عقل نظری می‌گوید انسان در حد استطاعت خود تلاش کند تا به معرفت مطلوب حقیقی که غایت همه موجودات است، نایل گردد تا به عالم توحید بلکه مقام اتحاد برسد و اگر کسی به این مرحله دست‌یابد، دل او آرام و مطمئن گشته، غبار حیرت و زنگار شک از چهره ضمیر وی زدوده خواهد شد (طوسی، ۱۳۸۵: ۶۹-۷۰).

در نتیجه، بر اساس تعریفی که محقق طوسی از سعادت انسان ارائه می‌کند و آن را از طریق استکمال قوای عقلانی ممکن می‌داند، تفسیر ایمان به کمال عقل نظری موجه به نظر می‌رسد؛ چون اولا بر اساس اشارات قرآنی، ایمان موجب رهایی انسان از خسران و هلاکت می‌شود. ثانیا این ایمان همان معرفت و تصدیق به اصول اعتقادی اسلام شامل مبدأ و معاد و نبوت و شریعت الهی است. ثالثا این معرفت و تصدیق در بیان فیلسوفان اسلامی از طریق کمال عقل نظری تحقق می‌یابد. بنابراین، ایمان همان کمال قوه عقل نظری است.

استاد حسن زاده آملی در توجیه سخن طوسی می‌گوید: «ایمان تصدیق است و تصدیقْ علم و علمْ کمال قوه نظری و به فعلیت رسیدن آن است» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۴: ۴۴).

این نوع نگاه به ایمان در تفسیر سید قطب نیز مشاهده می‌شود. وی در بیان چیستی ایمان در سوره عصر می‌گوید: «**فما الإيمان؟ نحن لا نعرّف الإيمان هنا تعريفه الفقهي و لكننا نتحدث عن طبيعته و قيمته في الحياة. إنه اتصال هذا الكائن الإنساني الفاني الصغير المحدود بالأصل المطلق الأزلي الباقي الذي صدر عنه الوجود**» (سید قطب، ۱۴۱۲: ۳۹۶۴/۶). یعنی ما در اینجا در بیان معنای ایمان تعریف فقهی آن را لحاظ نمی‌کنیم بلکه از طبیعت و جایگاه ایمان در زندگی بشر سخن می‌گوییم؛ ایمان عبارت است از اتصال موجود انسانی فانی و صغیر و محدود به اصل مطلق ازلی باقی که وجود و هستی از او صادر شده است. تفسیر سید قطب از آیه، یک نگرش فلسفی به مسأله ایمان بوده و به کمال

عقل نظری اشاره داد.

۳-۳. چیستی عمل صالح

قرآن کریم در سوره عصر بعد از ایمان، آنچه را در نجات و رهایی انسان از خسران شرط می‌داند، عمل صالح است، چنان‌که می‌فرماید: «وَ عَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ». تعبیر عمل صالح در این آیه انواع مختلف اعمال صالح را شامل می‌شود که به‌صورت کلی می‌توان به ادای واجبات و ترک گناهان و انجام فعل خیر تعریف کرد (زهیلی، ۱۴۱۸: ۳۹۵/۳۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۵۷/۲۰).

اما محقق طوسی عمل صالح را به معنای کمال عقل عملی معنا کرده و در تفسیر عبارت «وَ عَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ» می‌گوید «ای الکاملین فی القوّة العملیّة» (طوسی، ۱٤۰٥: ص٥۲۰). بر اساس این دیدگاه، انسان زمانی از خسران و زیان نجات می‌یابد که عقل عملی او تکامل یافته، بر جمیع قوای بدنی و حیوانی استیلا پیدا کند تا به بایدها و نبایدها فرمان دهد و انسان را به کسب رفتارهای شایسته و اجتناب از اعمال نادرست وادار کند.

این تفسیر از عمل صالح نیز برخاسته از نگرش فیلسوفان اسلامی نسبت به سعادت انسان است که آن را در کمال قوای نفس تعریف می‌کنند. در فلسفه اسلامی انسان وقتی به سعادت و رستگاری می‌رسد که بعد از تکامل عقل نظری، در مرتبه عقل عملی نیز به مرحله‌ای از کمال برسد که بر تمامی نیروهای بدنی و قوای حیوانی نفس تسلط یافته، آن‌ها را تحت تدبیر خود درآورد و گرایش‌های متضاد آن‌ها را متعادل سازد تا به اخلاق فضیلت نایل گشته و از اخلاق رذیلت دور شود (ابن سینا، ۱۳۶۳، ۱۰۹–۱۱۱؛ ابن سینا، ۱۴۰۴: ۳۸/۲؛ سهروردی، ۱۳۷۵: ۵۰۱/۱؛ طوسی، ۱۳۸۵: ۷۰؛ صدرالمتألهین، ۱۹۸۱: ۱۳۰/۸، و ۱۲۶/۹–۱۲۷؛ صدرالمتألهین، ۱۳۶۰: ۲۵۰)

بنابراین، تفسیر عمل صالح به استکمال عقل عملی اگرچه یک تعبیر فلسفی است ولی قابل توجیه بوده و با فهم دیگر مفسران و اندیشمندان تعارض ندارد؛ زیرا

انسان وقتی عمل صالح را انجام می‌دهد که اولا درک درست از صالح و شایسته بون آن داشته باشد و ثانیا بر هواهای نفسانی و غرایز حیوانی خود مسلط بوده و از دستور عقل پیروی کند و این همان کمال عقل عملی است که فیلسوفان می‌گویند. از این‌رو، استاد حسن‌زاده آملی نیز درصدد تأیید دیدگاه طوسی برآمده، می‌گوید: «عمل صالح از قوه عملی به کمال رسیده صادر می‌گردد» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۴: ۴۴).

در نهایت، تفسیر ایمان و عمل صالح به کمال عقل نظری و عقل عملی در بیان برخی دیگر مفسران و اندیشمندان نیز مشاهده می‌شود؛ چنان‌که ابن عربی در تفسیر سوره عصر تعبیری دارد که نزدیک به سخنان خواجه طوسی است: «فالفحوی أن نوع الإنسان فی خسر إلا الکاملین فی العلم و العمل، المکملین بهما» (ابن عربی،۱۴۲۲: ۴۵۷/۲). یعنی از فحوای آیات به دست می‌آید که نوع انسانی در خسران و زیان‌اند، مگر آنان که در علم و عمل کامل باشند. یا برخی دیگر از مفسران نیز در بحث حاضر می‌گویند آنچه در لسان حکما، عقل نظری و عقل عملی نامیده می‌شود و تکامل آن موجب سعادت انسان تلقی می‌گردد، در این سوره قرآن به ایمان و عمل صالح تعبیر شده است (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۲۷۲/۱۵-۲۷۳).

۳-۴. توصیه به حق

قرآن برای رهایی انسان از خسران، بعد از ایمان و عمل صالح، مسأله توصیه به حق را مطرح می‌کند: «وَ تَوَاصَوْاْ بِالْحَقّ». یعنی انسان زمانی از خسران نجات می‌یابد که هم ایمان و عمل صالح داشته باشد و هم دیگران را به حق سفارش کند.

مفسران حق را به معنای امر ثابتی انکارناپذیر تعریف کرده‌اند که شامل تمام خیرات می‌شود، مانند اعتقاد به توحید و اطاعت خداوند متعال، پیروی از انبیا و اولیای الهی، ادای واجبات، ترک محرمات، زهد در دنیا و رغبت به آخرت و یا در یک معنای جامع، پیروی از شریعتی که پیامبر معصوم آن را آورده است که هم شامل باورها و اعتقادات می‌شود و هم شامل اعمال و رفتارها (طبرسی، ۱۳۷۷: ۵۳۳/۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۹۴/۴؛ زهیلی، ۱۴۱۸: ۳۹۳/۳۰).

بنابراین، توصیه به حق آن است که انسان‌ها یکدیگر را به پیروی از حق و استقامت و مداومت در این راه سفارش کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۵۷/۲۰). با توجه به گستره‌ای که برای حق تعریف شد، توصیه به حق نیز شامل توصیه به همه حوزه‌های معارف دینی می‌شود. یعنی انسان باید دیگران را هم به معرفت آموزه‌های اعتقادی و هم به رعایت ارزش‌های اخلاقی و انجام احکام عملی اسلام سفارش کند.

اما نصیرالدین طوسی در تفسیر این بخش از آیه می‌گوید منظور از توصیه به حق آن است که هر فرد تلاش کند تا عقل نظری دیگران را به کمال برساند، همان‌گونه که در تفسیر جمله «وَ تَوَاصَوْاْ بِالْحَقّ» می‌گوید: «ای الذین یکملون عقول الخلائق بالمعارف النظریّة» (طوسی، ۱۴۰۵: ۵۲۰)؛ یعنی توصیه‌گران به حق کسانی هستند که عقل‌های مردم را نسبت به معارف نظری تکمیل می‌کنند. بنابراین از نظر طوسی توصیه به حق به معنای تکمیل عقول انسان‌ها است تا سطح معرفت آنان نسبت به آموزه‌های دینی ارتقا یابد.

۳-۵. توصیه به صبر

چهارمین شرطی که قرآن کریم برای رهایی انسان از خسران بیان می‌کند، توصیه به صبر است، چنان‌که در آخرین بخش سوره عصر می‌فرماید: «وَ تَوَاصَوْاْ بِالصَّبرْ». یعنی انسان زمانی از خسران و زیان نجات می‌یابد که بعد از ایمان و عمل صالح و توصیه به حق، دیگران را به صبر نیز توصیه کند.

صبر قدرت و توانایی است که در نفس انسان به وجود می‌آید و تحمل مشقت و سختی در کارها را بر وی آسان می‌کند (زهیلی، ۱۴۱۸: ۳۹۳/۳۰). توصیه به صبر هم شامل صبر بر طاعت و معصیت می‌شود و هم صبر بر مصیبت‌هایی که از جانب خداوند به انسان می‌رسد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۹۴/۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳۳۶/۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۵۷/۲۰). بنابراین توصیه به صبر به معنای آن است که انسان برای نجات از خسران و دست‌یابی به سعادت و رستگاری، دیگر افراد جامعه را به تحمل

سختی‌های طاعت و بندگی خدا و استقامت در برابر هواهای نفسانی و کشش‌های قوای شهوانی و غضبی و بردباری در برابر مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها سفارش کند.

محقق طوسی «توصیه به صبر» را به معنای کامل کردن اخلاق جامعه انسانی تفسیر می‌کند و در بیان معنای جمله «وَ تَوَاصَوْاْ بِالصَّبرْ» می‌گوید: «ای الذین یکملون أخلاق الخلائق بتلقّی المقدمات الخلقیة» (طوسی، ۱۴۰۵: ۵۲۰). توصیه‌گران به صبر کسانی هستند که اخلاق مردم را از طریق آموختن مقدمات خُلقی تکمیل می‌کنند.

از آنجا که صبر مستلزم استقامت عملی در برابر معصیت و فشارهای مصیبت و تحمل سختی‌های طاعت است، با کمال عقل عملی ارتباط پیدا می‌کند؛ چون انسان با استکمال عقل عملی به مرحله صبر و استقامت می‌رسد. نصیرالدین طوسی نیز مسأله کمال عقل عملی را در اینجا به تکمیل اخلاق مردم تعبیر کرده است. بنابراین، بر مبنای دیدگاه وی همان‌طوری که هر فرد خود باید در جهت استکمال عقل عملی‌اش بکوشد، در برابر جامعه خود نیز وظیفه دارد تا برای تکمیل عقل عملی و تربیت اخلاقی آنان تلاش کند.

۴. نقد و ارزیابی

در ارزیابی تفسیر محقق طوسی از سوره عصر می‌توان گفت اگرچه سخنان وی با ادبیات مفسران ناهمگون است ولی در محتوا با آن‌ها ناسازگار نیست. از آنجا که فلسفه کلی‌نگر است، وی نیز در سطح بالاتری به مسأله نگاه کرده و به جای بیان جزئیات و مصادیق آن به ارائه راه‌های کلی پرداخته است. از این‌رو، طوسی ایمان و عمل صالح را در یک بیان جامع به تکمیل عقل نظری و عقل عملی تفسیر می‌کند، در حالی‌که دیگر مفسران به بیان مصادیق ایمان و عمل صالح مانند باور و تصدیق خدا و پیامبران و معاد و عمل طبق آموزه‌های شریعت الهی می‌پردازند.

در توجیه سخنان خواجه طوسی می‌توان گفت اگر با نگاه فلسفی تحلیل کنیم،

برترین مراتب ایمان و اعتقاد به مبدأ و معاد در پرتو استکمال عقل نظری به دست می‌آید. از سوی دیگر، بالاترین مرحله عمل صالح در صورتی استکمال عقل عملی و تسلط آن بر جمیع قوای بدنی و حیوانی و تدبیر قوای شهوانی و غضبی میسر می‌شود. حال، نه دیدگاه طوسی در تفسیر ایمان و عمل صالح چیزی فراتر از این سخن است و نه دیگر عالمان و مفسران آن را رد می‌کنند.

در تأیید دیدگاه محقق طوسی در تفسیر ایمان و عمل به کمال عقل نظری و عملی، می‌توان به روایاتی که در اهمیت و جایگاه عقل در منظومه معرفتی اسلام و نقش آن در تأمین سعادت و کمال انسان وارد شده است، استناد کرد. در روایتی از حضرت پیامبر(ص) نقل شده که فرمود: «وَ لَا بَعَثَ اللَّه نَبِيّاً وَ لَا رَسُولًا حَتّى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْل» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۰/۱). خداوند نبی و رسولی را مبعوث نکرد مگر برای کامل کردن عقل مردم. در روایت دیگر از امام صادق(ع) آمده که فرمود: «**مَنْ كَانَ عَاقِلًا، كَانَ لَهُ دِينٌ، وَ مَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ، دَخَلَ الْجَنَّةَ**» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۷/۱). کسی که عقل دارد دین دارد و کسی که دین دارد وارد بهشت می‌شود. در جای دیگر باز هم از امام صادق(ع) روایت شده که درباره عقل فرمود «**العقل مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمنُ، وَ اكْتُسِبَ بِهِ الْجِنَانُ**» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲۵/۱). یعنی عقل چیزی است که توسط آن خدای رحمان عبادت می‌شود و بهشت به دست می‌آید. ملاحظه این روایات به خوبی نشان می‌دهد که یکی از اهداف پیامبران که دین و شریعت الهی را آورده‌اند، تکمیل عقل مردم است؛ چون عقل زمینه‌ساز دین‌داری و بندگی خداوند و موجب ورود به بهشت می‌گردد.

بنابراین، از روایت اول و دوم می‌توان چنین استنتاج کرد که یکی از اهداف پیامبران تکمیل عقول مردم است؛ عقل موجب دین‌داری می‌شود؛ دین‌داری موجب ورود به بهشت و رضوان الهی می‌گردد. در نتیجه، عقل موجب ورود به بهشت و رضوان الهی می‌شود و این همان سعادت حقیقی انسان و نجات از خسران است. در روایت سوم نیز عقل موجب اطاعت و بندگی خدا و کسب بهشت معرفی شده است

که هم بُعد نظری و معرفتی را شامل می‌شود و هم بُعد عملی را. دلایل یاد شده نشان می‌دهد که عقل هم در مرحله شناخت و معرفت آموزه‌های نظری اسلام نقش دارد و هم در مرحله عمل و انجام احکام عملی و این مطلبی است که در سخنان طوسی به آن اشاره شده است.

در جمع‌بندی نهایی، باید گفت بر مبنای تفسیر محقق طوسی، «ایمان» باید مبتنی بر عقل و اندیشه باشد و این سخن در تقابل با رویکردهای ایمان‌گرایی و ظاهرگرایی است که اولی تنها به باوری از روی احساس و دومی صرفاً به ظواهر متون دینی و قرآنی تکیه می‌کنند.[1]

۵. نتیجه

محقق طوسی با رویکرد کلی‌نگرانه فلسفی به تفسیر سوره عصر پرداخته و فرازهای مختلف آیات آن را بر محور عقلانیت تفسیر کرده است. وی خسران و زیان‌کار بودن انسان را به معنای اشتغال به امور مادی و فرو رفتن در خواهش‌ها و هواهای نفسانی دانسته و راه نجات از این خسران بزرگ را که قرآن کریم در ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و توصیه به صبر می‌داند، به استکمال عقل نظری و عقل عملی تطبیق کرده است.

بر این اساس، اگر انسان بخواهد از خسران نجات‌یابد، طبق آنچه طوسی از دستور قرآن در سوره عصر برداشت کرده است، باید اولا عقل نظری خود را به کمال برساند و اهل تفکر و تعقل باشد تا به معرفت حقایق هستی دست‌یابد؛ ثانیا عقل عملی خود را تکمیل کرده و از فرمان آن پیروی نماید تا به فضیلت‌های اخلاقی دست‌یافته و از رذیلت‌ها خود را حفظ کند؛ ثالثا باید عقلانیت و تفکر را در

---

۱. درباره دیدگاه ایمان‌گرایی و ظاهرگرایی نگاه کنید به: حسن یوسفیان و احمد حسین شریفی، *عقل و وحی*، فصل پنجم، ص۱۲۳-۱۵۷؛ محمدسالم محسنی و رضا برنجکار، «نقد و بررسی رویکردهای بی‌نیازی وجود خدا از استدلال»، *مجله جاویدان خرد*، ص۱۰۱-۱۲۲.

دیگران نیز تکامل بخشیده و در جهت رسیدن به یک جامعه عقلانی و اهل فکر و اندیشه تلاش کند؛ رابعا عقل عملی دیگران را نیز به کمال برساند تا از این طریق، اخلاق جامعه نیز به کمال و شکوفایی خود برسد.

در نهایت، خواجه نصیرالدین طوسی اگرچه با ادبیات فلسفی سخن گفته و تعبیرات و اصطلاحات خاصی را به کاربرده است که در ظاهر با بیان دیگر اندیشمندان و مفسران متفاوت می‌نماید؛ اما در محتوا با آن‌ها سازگار بوده و تعارضی ندارد. برخی روایاتی که نقش عقل را در سعادت و رستگاری انسان نشان می‌دهد، نیز آن را تأیید می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سینا، حسین (۱۳۶۳ش)، *المبدأ و المعاد*، به اهتمام عبدالله نورانی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
۳. ابن سینا، حسین (۱٤۰٤ق)، *الشفاء (الطبیعیات؛ کتاب النفس)*، تصحیح: سعید زاید، قم: مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی.
۴. ابن عربی، محمد محیی الدین (۱۴۲۲ق)، *تفسیر ابن عربی*، تحقیق: سمیر مصطفی رباب، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱ش)، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نهضت زنان مسلمان.
٦. بغدادی، عبدالقاهر (۲۰۰۳م)، *اصول الایمان*، تحقیق: ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار و مکتبة الهلال.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *انوار التنزیل و أسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. تفتازانی، سعدالدین (۱۴۰۹ق)، *شرح المقاصد*، چاپ اول، افست قم: الشریف الرضی.
۹. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۴ش)، *انسان و قرآن*، چاپ سوم، تهران: انتشارات الزهراء.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، چاپ اول، لبنان- سوریه: دار العلم- الدار الشامیة.
۱۱. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*،

چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۲. زهیلی، وهبة (۱۴۱۸ق)، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، چاپ دوم، بیروت-دمشق: دار الفکر المعاصر.
۱۳. سهروردی، شهاب الدین (۱۳۷۵ش)، *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*، تصحیح: هانری کربن، سید حسین نصر و نجفقلی حبیبی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۴. سید قطب (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*، چاپ هفدهم، بیروت قاهره: دار الشروق.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۹ق)، *حقائق الایمان مع رسالتی الاقتصاد و العدالة*، تحقیق: سید مهدی رجائی، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۶. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰ش)، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، تصحیح: سید جلال الدین آشتیانی، چاپ دوم، مشهد: المرکز الجامعی للنشر.
۱۷. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م)، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱٤۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، *تفسیر جوامع الجامع*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. طوسی، نصیرالدین (۱۳۷۵ش)، *شرح الاشارات و التنبیهات*، چاپ اول، قم: نشر البلاغة.
۲۲. طوسی، نصیرالدین (۱۳۸۵ش)، *اخلاق ناصری*، تصحیح: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، چاپ ششم، تهران: انتشارات خوارزمی.
۲۳. طوسی، نصیرالدین (۱۴۰۵ق)، *رسائل خواجه نصیرالدین طوسی*، چاپ دوم، بیروت: دار الاضواء.
۲٤. طوسی، نصیرالدین (۱۴۰۷ق)، *تجرید الاعتقاد*، تحقیق: حسینی جلالی، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲٦. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، *الکافی*، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
۲۷. محسنی، محمدسالم و برنجکار، رضا (۱۳۹۲ش)، «نقد و بررسی رویکردهای بی‌نیازی وجود خدا از استدلال»، *دو فصلنامه علمی-پژوهشی*

جاویدان خرد، سال دهم، شماره اول، بهار و تابستان، شماره مسلسل ۲۳.
۲۸. یوسفیان، حسن و شریفی، احمد حسین (۱۳۸۳ش)، *عقل و وحی*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.